احب پور

۸۴/۱/۲۲

بخش پنجم از کتاب ظهور الحق

تاریخ مستقل ادربایجان

[illegible]

بخش نهم

از بخشهای نه گانهٔ کتاب ظهور الحق در بیان حوادث جاریهٔ ایام حاضرهٔ که انوار میثاق حضرت عبدالبهاء
غصن ممتاز سدرهٔ الهی حضرت ولی امرالله در سیقالم تابان و درخشان است تا خاتمهٔ قرن اول بهائی و درج شده
مطالب بنبذهٔ مناجات صادرهٔ از قلم معجز نسیم افتتاح میگردد

ربّنا و ملاذنا

أزل كروبنا ببزوغ شمس وعدك الكريم وخفّف همومنا بنزول ملائكة نصرك المبين وأنر ابصارنا بمشاهدة آيات امرك العظيم ربّنا أفرغ علينا صبراً من لدنك ربّنا افتح على وجوهنا أبواب السعادة والرخاء وأذقنا حلاوة الهناء وارتقنا مقاماً انت أوعدتنا به في صحفك وكتبك الى متى يا الهنا هذا الظلم والطغيان الى متى هذا الجور والعدوان هل لنا من مأمن الا انت لا رحمة زمانيتك أنت مجيب المضطرين انت سميع دعاء الملهوفين أدركنا أدركنا بفضلك يا ربّنا الابهى ولا تخيب آمالنا يا مقصود العالمين وارحم الراحمين

« سال هفتم و هشتم »
۸۰ ق

واقعات سال ۱۳۴۰ ق ۱۳۰۰ ش ۱۹۲۱ م

وصول خبر حرکت اثر عروج مرکز عهد و پیمان امنی و امنی از عالم ادنی و تلگرافهای حضرت ورقهٔ علیا و شیخ الرئیس و حیاء و مقام یکتا ولی امر بهائی

نوبتی که در آخر بخش هفتم بتفصیل آوردیم خبر رحلت اثر انور تیر از شرق عهد و پیمان بهائیان جهان از جانب حضرت ورقهٔ علیا که بر پرده تلگراف و مکالمات اهل دیر پیوسته سعد و اتفاق بهائیان را بر پرده و در تجارت خانه ورود رسید و دل بهائیان ایران چنین تلگراف زد: « تلگراف طهران - حضرت عبدالبهاء بملکوت ابهی صعود فرمود احتیاط را اعلام دهید » - ورقهٔ علیا حضرت ولی امر الله غصن ممتاز عهد الهی شرق و بهائی که بنوع عظمت در ایام حیات در بخش سالیان بسیار و نسبت سنگی که بکبیر آنستان با ارادت عالیه سرکار داشتند قبل از دریافت خبر حضرت ولی امر الله تا حدی تحمل تلگراف و حیاء اهل بهائی خبر داشته بشدت تاثر شکیبائی بر داشتند و بعلل حضرت شاهنشاه آنستان بدیگر بعد تسلیت و تعزیت اخوان ایشان که بنوع غیر کمن ابیان تاثر ابراز بر داشتند تا آنگاه که مکاتیب از خانهٔ آقیه و حضرت ورقهٔ علیا و شیخ الرئیس و حیاء و مقام یکتا که حضرت شان را نیز بشیر تاثر تاثر مرسوم و حضرات بر تمام و عموم بیفزود و احوال نوعی علوه نمود که لوائی آنها در روزی چند خود استقبال بعضی امور و شئون خود نمی پرداختند و عهدهٔ خانه منظمه و گذارند و رسم نوبت سوگ شدند و باتفاق لیدی منظمه در خانهٔ مکرره گذشتن بدانه گشتند و لیدی با عضاء خانهٔ ارباب و شان و حضرت ورقهٔ علیا در انجام مراسم عزاداری شرکت جست و در سالهٔ ادرج ما قصه که در بخش هفتم ثبت نمودیم تا آنکه در ورقهٔ نص و ثانیه عظمی خانهٔ بخش و شرح مادیم چنین بود: که از استماع و نشر خبر جزیره عالمه بر اثر انور تیر عظیم شهر بهائیان شرق جهان بهائیان را اولاً حالت و تعلق ثابت که در بی و شاد خلاستند و در آن آثار و مقدمه دیگر بیات بشتاب ماه و انطباعیه خطوط و تلگرافات نمایند بسیار کار خود را حکومت سیاه داشتند و از سرایان و مهاجرین بهائیان ازاد و ممالک از دعوات شریف رسیده آنستند و مدتی سال تاثیرات عظیم عام و اخلاق آنها که تسلط اهل بهائیان بر بهائیان بر بهائیان بر بهائیان خانهٔ بشکوار شده و اخبار و حیاء و تالیف کتب و کتابهای بهائیان استیلاء متاثر و نه خطاب بر اخبار و قدر و اخبار و اخبار و اخبار

« سال هفدهم »

وقایع سال ۱۳۴۰ ق ۱۹۲۲ م

اثر انیع الواح و صایا منتشر له تحقیق لوح وصایا نسخ فراهم کرده کثیری از بهائیان را داشتند و بهائیان و اهل ایران و هندوستان و بسیاری از مؤمنین و مؤمنات
مرتبه شاهکار نمودند و الواح حضرت ربانی خطاب به حضرت ولیامر به شان صادر گشت و در ۲۴ ماه ربیع الثانی سال ۱۳۴۰ مطابق ۲۵ ماه
دسامبر ۱۹۲۱ بود که در هندوستان اولین کنفرانس بهائیان هندوستان را منعقد کردند

« توجه وحید و شدید بهائیان و محافل روحانی بمرکز بدیع و جدید و مقدس رسمیت و انتظام آید »

حضرت ولی امرالله با نظر عمیق و دقیقی که در نظم اداری این امر داشتند و تنظیم و تشکیل محافل روحانی و توجه قوای مرکز حقیقی را خواستند محفل روحانی
حیفا را تأسیس فرمودند و اعضاء آن از رجال نشیبین و خادمین آستان زاده و امر معین بودند و نزد حکومت معرفی نمودند و وظایف مبین و مشخص فرمود
تا در امور مالی و لکن و بعریات امری اقدامات و حل و عقد کنند و رفع مشکلات و مفاسد نمایند و شعار اسم اعظم را که حضرت عبدالبهاء در نگین خاتم
انگشت نمایین مقرر کرده در اسم نامه‌های محفل و الطراز زیبای جالب توجهی با تأیید مبین و مشهود تاریخ بهائی قرار دادند و بنیه گذاری محکمی با ایجاد وحدت کامله و
شوق ایمان اکید و اشتعال سراجیه داشتند و انجمن عائله و خاندان حضرت عبدالبهاء را مطاع بیت و مرکزیت حضرت و ورثه علی ترتیب نمودند که مجموع
محافل روحانی توقیعات و دستورات صادره را طبق رشد و پیروی فرمایند و در تعیین آن و احوال محافل روحانی منظم بهائیان اند انجمن روحانی طهران و انجمن
ملی ایالات متحده امریکا و کانادا و انجمن هندوستان و انجمن عشق آباد و بادکوبه و انگلستان و آلمان و استرالیا و غیرها با نهایت توجه و اقتدا
نسبت به عرایضه نگاری و دستور و شرایط محضر مبارک آنحضرت ... نمودند و نامه ذیل صورت اولین عرایضه انجمن روحانی طهران است که بتاریخ ۱۸ برج دلو
۱۳۰۰ نگاشته و ارسال داشتند :

حضور مبارک سیدنا و مولانا و مرکز امر ربانی الهی حضرت شوقی افندی روحی فداه مشرف اند و نگارد سیدنا و مولانا و مرکز امر ربانی الهی اگر چه
حادثه صعود مولانا الاعظم و منجی الامم حضرت مولی الوری مکدرت و انبی نه لقدیمی عظیم است که قلبها و جانها سوزان و گداز و افغانیان تحمل مصائب
عظمای آنرا ندارد ولی چون بیکیل انور اقدس حضرت عبدالبهاء ارواح المخلصین لرس الطهره الفدا قبل از صعود مبارک جمیع احباب الهی را امر بصبر و سکون
فرموده اند آتش جانسوز حرمان و هجران و اکتساب اضطراب و تسکین داده منتظر ظهور قضای الهی و مشیت مطلقه ربانی در تعیین قائم مقام و جدید مرکز
عهد مجید بودیم تا آنکه بشارت روح بخش نزول کتاب وصیت و تعیین مرکز مقدس امر حضرت احدیت مگر انا الاصل و مقصود بحر قدم و جهان افسرده این
بندگان و جمیع احباب الهی را تشعشع و مسرت بی پایان بخشید . لهذا حمد و شکر لا نهایه بساحت کبریای جمال قدم جل ذکره الاعظم و بآستان مقدس حضرت

سال بیست و هشتم

۱۹۲۲ — ۱۳۰۰ ه ش — ۱۲۴۰ ه ق — ۲

واقعات سال

بر اهل ادراک و بینش لازم تقدیم میداریم که بصرف فضل و موهبت در نظر به اعلام توضیح و تقویت بنیان بالا بطلب تعیین و تصریح کرد مقصد و ترجیح امر خود لازم شمرده اقتضائات و اقتضائات لازم قبل کتابت بکشید و کل را بشاهراه اطاعت و انقیاد سرکرد در مقصود و مشهود هدایت فرمود لهذا کل از حقیقت فؤاد و صمیم جان و روان خود متفقاً شکرگذاری و جان نثاری و اطاعت و انقیاد حقیقی خود را ثابت مقدس آن مرکز عدیم الامر بجید تقدیم و متضرعاً دعای تأیید و توفیق بر خدمت از کثرت امنع اقدس داریم. فعلاً حسب الامر مدد مرحمت مخفی بر مرضای لیس از وصول خبر بنا بر از صعود مبارک بعرض میرسانیم. اولاً توسط بیانیه نفوس جمیع احباب را بر اطلاع مبارکه بصبر و سکون شکرگزار و از اجرای مراسم عزاداری مصدری ممانعت بعمل آمد. ثانیاً توسط بیانیه دیگری عموم احبای الهی را بتفکر و اتحاد دعوت نموده و مفاد بیانات مبارکه اخیره در بیداری و هشیاری احباب برای منع از نفوذ و دخول منافقین نشر داده شد. ثالثاً مطابق مخفی ما امتداد بر شب و بعد نشیه سه شب قرار داده و مابین وقت نافله صبحدمی قیام کنند بشکرانه کرده و با جمیع دعایات و الطاف کتابات و حی عبارت لازمه بعمل آمده و از جمیع نقاط بحمد الله و علوه اخبار مسرت انگیز قیام و اتحاد و وحدت عموم احبای الهی داخل گردیده ما خاطر در مرحوم فرانده حسب الامر مکرر انه در تمام نقاط و ولایات ایران و اطراف مخفی تذکر و نهایت توجه و دقت مبذول گردیده. فعلاً تفصیلاً اخیراً برای یکی از احبای الهی یعنی جناب میرزا مسیح اشرفیان مصباح رئیس انبار غله و اقتی وارد که کمی از اخبار زیارت مشارالیه نسبت با اساسه ادب نموده و برای فرار از تعقیب و مجازات فریاد و فغانی برپا کرد که العیاذ بالله جناب آقا میرزا مسیح آقا خان نسبت مقام مقدس حضرت محمد جسارت نموده و این هفت دانشمند نزد علمای متعصب و مفسدین شروع و فتنه نزدیک در تمام شهر برپا کرد بقسمی که حکومت مجبور شد از جناب میرزا مسیح آقا خان تقاضا نمود که از ایران خارج و تبعید شود و چون بیم مرگ که سابقاً دشمن فتنه نزدیک برپا نمایند مشارالیه مجبور بمسافرت گردید و ما بعضی از دولت و جماعات مشرق مشارالیه و تبرئه جمیع احبای را از اتهامات خلاص شده بعضی از محلات هم آزاد گشتند. این غوغا و بعضی بلاد دیگر هم سرایت نمود از طرف مخفی اقدامات کتبه نزد هیئت دولت و حکومت نظامی و غیره بعمل آمد تا آنکه امر در محکمه جناب میرزا مسیح آقا خان نیز بکلی ثابت و تبرئه باقی است. مسافرت چون از چند سال قبل با نظر بمراجعه کتب مقدسه آثار و نشریات و مراجعه احبای کرام مرسله بدلایات مرکز و بسته مسافرت دیگر تشریف نشده و فعلاً یکی از مرتبه در چند جناب مبارکات سوزانی آنها نموده و بطلب مسافرت و نشریات ارکان قبل و کتاب شده بود مخفی نماند تا حدی تشریف آنها و دیگر برای اتمام ممانعت مانع بعد از آنکه مقدسه بجا بنا نمود و نشریات که توسط حضرت اعلی پیش از اعلام تا نزد ولایات و مجمع اتفاقات اهل شرق اتمام رسانید. این قسم که از شان نمود و اطراف تحقیقات مسافرت شده و از مخفی بر دعاء جدید که تکلیف بنیام توسط ایشان بجمیع اتفاقات اهل و نفوسات خیر قابل قبول و نشاء و تقدیمات و کتابات آنها را

« سال هفتاد و هشتم »

واقعات سال ۱۳۴۰ ق — ۱۳۰۰ ش — ۱۹۲۲ م

عرض و تمنای مراحله و اصلاح ذوات اخبار نامه این عنوان که چون مجمع اتفاق ملی حامی ملل مظلومه و اقلیت های ملی و تاکید عالم است
انجرب مظلوم ما که در ایران محروم و ممنوع از هر گونه حق حیات اقتصادی و معرض فشار و اعتراض و ظلم اکثریت متعصب واقع شده اند رسما حمایت
نموده از دولت ایران تقاضای بهبودی وضعیت آنها را نمایند. محفل روحانی در این زمینه فکر نمود که چون اقدام اساسی کرده و تقاضای ما
محضر مبارک نمایم که سرنوشت امر مبارک مساعد گردد از سکوت و تحمل مایه اقدام لطمه ای که عرض شد یا هر نحوی که رای مبارک بشه اطاعت و مجری شود
مسافرت جناب حیفا که حامی و تابع مقصود مبارک و لطفهای ناطقین بود اخیرا واصل نمود بر جرأت قلوب این بندگان گردید و بکلی نشر
و ترویج آنها در بین اغیار که بسیار نافع و مفید بنظر میآید قرار شد کلا ترجمه و طبع شود. واصل جرائد هم نشر شود لهذا از حضور مبارک تقاضا
رجاء نمودیم که صورت صلاح و اقتضاء امر مبارک با رسال نمایند نسخه از جریده التفیر نصف الطهران و نصف بغداد صادر گردد که در مقامات
لازمه بین اغیار نشر گردد. در خاتمه می برد که لغو این جناب که آقا میرزا علی صبح خدا است مشهود مقصد محفل روحانی است با خود ایشان
و همچنین آدرس تلگرافی محفل لماجی روحانی است و اسامی اعضاء اصلیه محفل روحانی ذیلا عرض میرسد و جانفشانی و عبودیت صرف محفله
کل دوستان را با کمال تقدیس تقدیم میداریم. منشی محفل علی اکبر روحانی سلمانی

صورت اسامی اعضاء محفل روحانی اصلیه — ۱- جناب محب السلطان میرزا علی اکبر خان روحانی سلمانی — ۲- جناب باقراف ۳-
جناب میرزا احمد خان نیرانی — ۴- جناب میرزا آقا خان قائم مقامی — ۵- جناب آقا میرزا اسحق خان حقیقی کرمانشاهی و جناب
آواره — ۷- جناب میرزا رحیم خان ارجمند — ۸- جناب ملا ابراهیم — ۹- جناب میرزا ربیع الله خان مصباح که تبعید شد ۱۰-
جناب دکتر ارنیس خان — ۱۱- جناب عزت الله خان علائی — ۱۲- جناب میرزا عبدالحسین خان نعیمی — ۱۳- جناب میرزا علی اصغر خان
لماجی — ۱۴- جناب میرزا عبدالصمد طراز — ۱۵- جناب دکتر ربیع خان مسافر زیست — ۱۶- جناب دبیر نژاد — ۱۷- جناب میرزا
احمد راسخ قزوینی — ۱۸- جناب عطاء الله خان روشندار — ۱۹- جناب میرزا نصرالله خان دشتکار خانقاهی — ۲۰- جناب میرزا اسحق خان
متحده — ۲۱- جناب میرزا ولی الله خان ورقا — ۲۲- جناب شفائی الله خان علائی — ۲۳- جناب حاجی سید علی اکبر آقا کاران

مهر محفل روحانی — از طرف رئیس احمد نیرانی

و توقیع مبارک مساعد در جواب تاریخ ۲۰ کانون ۱۹۲۳ چنین بود.

اعضاء محترمه محفل مقدس روحانی طهران محترم اقدس — ... لا حظه نمایند. ... الله ابهی یا احباب الله و امائه من عباده .... اولین نامه
محفل روحانی نمره ۲۷۲۲ واصل گشت ... الخ — که راجع به تقاضات بهائیان امریکا برای مشاهده مشرق الاذکار مام شرح داده و تذکر میدهد

« سال نهم و هشتم »

واقعات سال ۱۳۴۰ ق — ۱۳۰۰ ش — ۱۹۲۲ م

کانون ۱۹۲۲ . طهران - بواسطهٔ اعضای محترم محفل مقدس روحانی احبای الهی روحی لهم الفدا ملاحظه فرمایند مراتب . اسمی
حقیقی جانفزای حضرت عبدالبهاء را در عبودیت آستان اسم و شریک ..... اسمه و علیه این بندهٔ شرمنده آنست که لوح و ثیقه حضرت
عبدالبهاء روحی لرمسه الاطهر فداء و باثر اوسیهٔ احبائش که از قرب محترمهٔ صافیهٔ منیره خان صادر است موفق گذشتی گردد تا کسب استعداد و
تا تثبیت این عنایت مسئولیه نمایند و تعاون و تعاضد یاران و شورت دوستان و صلاح دید بیت العدل عمومیه که منبع تمام مرجع کل امور است
موفق باجرای نصایح و وصایای مبارکه شوند و الفرقه بتمام ثبت جراء و ترقیق دیگر مرتبع ۱۵ شباط ۱۹۲۲ . . طهران اعضای محترم محفل مقدس
روحانی روحی فداهم ملاحظه نمایند احبای مخلص جانفشان حضرت عبدالبهاء ..... نسخهٔ الکتاب عموم ایران الحقیری که حرم دوستان حضرت عبدالبهاء
در تفصیل ایام اخیرهٔ مبارک و دوستان ارض مقصود بعد از صعود و طی مراسلات و مکالمات مراجعه و جامع این مصیبت عظمی و فضایل آنحضرت و
اثبات وصایای که در تشکیل ایام تحقق خواهد یافت مشورت و سعادت الله الله لیکی لا بعقیله شده فانم که حال در ارض اقدس مشغول نگاشته
شده که با نزد جناب آقا میرزا حسین نجل جناب آقا میرزا محمود تاجر خان ارسال شد تا ترجمه نموده محض انتشار بین احباب نزد محفل روحانی طهران
ارسال دارند .

و از عهد نمایی بسیار لقب آنکه برای نظم و تکمیل تشکیلات دستور نعایت متین اخذ احصائیهٔ احبای این دیار سال فرموده که صورت الاعتبار مبارک عین
بود ۱ . برادران روحانی اعضای محترم محفل مقدس روحانی طهران روحی لهم الفدا ملاحظه فرمایند : مراتب

روحی لکم فکم و تبوکم علی استقامة فداء حبیب روحانی جناب آقا میرزا یوسف خان عازم مرکز مبارکه طهرانند تا شخصاً با اعضای محترم آن محفل مقدس
مشورت تام نمایند و اگر خیلی لزوم اعضای جامعهٔ ایران چه امری را چه سیاسی اقتضا نماید و مراتب اشکالی حاصل گردد و بحضور حضرت ولی امرالله روحی فداه
نشود که محفل مقدس تشکیل از احبای باهمت جانفشان مخلص تعیین نمایند تا این هیئت با شخص مذکور در نهایت حکمت و ملاحظه و مشورت و دقت با
تمام نقاط ایران مکاتبه نموده عدهٔ مؤمنین و مؤمنات از میان بیست و یک بیاید در نقطهٔ ایران چه شهر و چه قریه که عدهٔ احبا به نه تا بوده
نموده باشند علیحده تعیین نمایند و محفل طهران اساسی با عدهٔ احبا را تقدیم نمایند تا محفل ارض مقدس فوراً اطلاع دهد . این امر بسیار مهم است و
مشروط باین است که تحریک اقدام گردد که اولاً بیجا حاصل نشود و ثانیاً معلوم و واضح گردد و بهیچوجه همهمه و غلغله در این اجتماعات واقع نشود
مشروط باین شرط است والسلام علی . با جناب خان و این امر مهم مشورت و مذاکره تام فرمایند شوقی ربیع ۱۹۲۲

و محفل روحانی طهران نسخهٔ از این جنبه مبارکه و نسخهٔ از نسخهٔ اکمل صادر کرده برای عموم محافل ایران ارسال داشته که صورت نسخهٔ اکمل چنین بود :
حضور محترم حضرات اعضای محترم و اعضای محترم محفل مقدس روحانی علیهم بهاء الله الابهی . مرقوم لوح مبارک ولی امرالله حضرت شوقی افندی روحانی

سال نهم و هشتم

التماس که مراد آن التماس ارسال شکر و لازم است صورت احصائیه مردم و بیان آنکه ما تهیه و شکر بر ارسال فرستیم تا بسبب اقدس تقدیم گردد لذا
متمنی است که با جناب کمال حکمت و شفقت نفسی که دانشمند و تاجر بان حقیقی جنید بدستان شایع گردد و لازم است مطابق نمونه که در جزو
است صورت کلیه و احصائیه آنکه را در حیات و نشاء و زمین ۲۰ سال بالا تر بطور شخصی مستعد این تعیین و ترتیب دارند و ترتیب تهیه این احصائیه
برای انتخاب صدر محفل روحانی و سائر مؤسسات عالیه امری است و اقدام و انجام آن شاید اندک طول انجامد این است که از حسن بیست بالا
تعیین شده که دانشمند و اهل سنه آگاه بدانند است بهیئه جمال اقدس ابهی شروع بانتخاب گردد و نیز بیان کیفیت این احصائیه متمنی است
مراتب کامل فرموده که در تمام قری و قصبات و مرکبات اطراف آن شهر نیز که ایشان مرجع باشند احصائیه را که آنجا محفوظ ماند و یکنسخه
صورت احصای محفل مقدس روحانی طهران ارسال فرمایند و اضافه محترماً تذکر داده میشود که حسب اشاره مبارک لازم است در هر نظم که عدد احباب
لوازم تکاپو مکنه حقی در قری و قصبات محفل روحانی تشکیل گردد لهذا لسان تهیه صورت احصائیه اعضای تابعین محفل روحانی از قرار طهران
محفل فرستاده فرمایند و محفل روحانی طهران نیز از تاسیس آنها مطلع فرمایند. امیدواریم بدین امر مهم یعنی تهیه احصائیه با نهایت همت و حکمت
قیام و اقدام خواهند فرمود که نزدیکی نتیجه آن بسبب اقدس معروض گشته تا اوامر مبارکه نسبت بتحقیق شایسته آنکه و سعادت عمومیه است نازل
گردد. منشی محفل عباس اکبر روحانی سلوانی — عباس امین محفل روحانی طهران احمد نریمانی — ۲ مرقان ایت ئیل ۱۳۰۱

و محفل روحانی طهران از محافل قدیم ایران صدا بلند احصائیه خواست و با آنکه خانه از اضافه احصائیه نداشته که رسم مردم نسبت تعقیب
جمعیت کم شود و استهلال شکر نمود محفل تاکید در اضافه احصائیه بنوع حکمت نمود و نیز آنحضرت محض ملاحظه شد هر که بیشتر فست امر الهی بدعا مک
غربیه بداشته که اداره تفتیش را برای ارسال باید با ذهن مازندرانی تا با عائله اش حسب تقسیم عائله مبارکه برای ارسال با برکی خواسته شد
مین حالا ثمرین کثیر شرقی و غربی از ثمرین برای بدک محضرشان مذاب و ایاب بیشه نمود که از آنکه بعزیز الرسیف فدان ثابت و صدا بلند نمود کردن
ایام در حقیقی بود.

"جوشش ناقضین سابق و جنبش باغضین لاحق"

میرزا محمد علی ناقض اکبر با آنکه بخواست در مرکز مرکز امری حضرت ولی امرالله دخالت نماید و مقام و نصب خود را تصرف کرد و با دور باش
از جانب حضرت ورثه علیا که علاوه از مقام معظم در من نیز متقدم بودند و با اطلاع از انتصاب حضرت ولی امرالله عمر جریان امری کرد
را مدعی و با زیاد بر ناقضان سابق دیگر نشر و اوراق و عرایض و نفی لعنت بخش نمود و اوراق نقضیه آنها را نیز منتشر نمود و خود را

« سال هیجدهم »

واقعات سال ۱۳۴۰ ق ۱۳۰۰ ش ۱۹۱۲ م

فرمان صادر از ایران رسید و یاورانی شهرت بهوری ناظم کرمانشاهان است و یاورده در بیت المقدس نشر آیات بهجت و ذکر و دعای خلق بر این
عبارت : « هو کتاب یاورت علی ۱۱ ذی الحجه ۱۳۴۰ هجری (اول بهم) طبع فی مطبعة بیت المقدس (القدس) در اوراق ثقیله است
که لفظ و معنی نایاب نادر الطبع داشت در ایران پراکنده و با برخی دیگر با بعد نشر نقض نموده و تبرک نقل کتاب بعد از فی نفاذ الحکم
الاکبر بعد ابو الاعظم در دیگر اشرات رایج انصاف در تثبیت مقام ولی گردیدند و از دعا مال شدند و شان در این سنه ۱۳۴۰ که کلید مدفنه مبارکه
الهی با مر کلید ماء ثابت بخدا گرفتند و ثابتین را راه ندادند و با بعد حضرت ولی امرالله تمامی جهان که زیارت به مدفن بهای مطهرین
مانع مقام آنحضرت کرده کلید ماء شرع نمودند و فی الحقیقه بیانات مبین شیرازی گردیده و بیان الهی مانع بانجرانات میرزا محمد علی و دیگر رهبانی
گردیده کان حضرت مدفن و دعای سلطنه ارثی تحت برایش باقی گذاشت و آنچه نوشته اند نوشتاری بی اثر است سهو است بود
و بیگیر تهای آن حضرت در جبهه تمام مسافرت و سفارت کان مانع تخریب بین ناقضین تمام و کمال مصداق پیدا کرد و تقریب دشمنان
اوی از آن دو دلکش آتش دیگر خیزد آتش نقض مذکور و شبیه همان در کشت خاکستر ترک ترک بدیدار گشت و کان نی نفت گرامی از
مصرفین غرب شیرازه در عهد دیان الهی و نیز جمعی از مشبین حضرت عبدالبهاء بنسبت تمام ارادت عقیده ظلمی برای که خود آنحضرت میدید
و مسلم نشستند و تأثر و حزن شدید داشتند ولی محبین و متعلقین بایشان ما خبر بودند و تشریف تأثر ایشان اتفاقات غیر داشتند و این تقلب
و تلوف مشبین مظاهر آمیخته و اولیاء امر حق مرتبه بیشتر و بعد با نسبت بنده کان بود ولی در قبال عظیم حضرت ولی امر مرتفع شد که مشرب و مشهد
مشرده گردید که آنکه در دعای آنحضرت عبدالبهاء با تعریض و تثبیت و تأکید و تهدید و وعید تکرار و نقض ذکر است و با بعد انکار زبان
و علاقه که نسبت با آنحضرت در جمیع ثابتین بود و تمام چنین محل نفت تفضیح قبح نداشت دیگر آنکه فی نفسین در زمانی کمال تحریر و الطوار از فی نفوس
سالکین و نتیجه آنها داشتند و با بیانات لطایف کثیر که در الواح و کتاب رایج آنها خوانده و حل و تقاریر فی نفسها با تجدید فرمای بود که دیگر بار
در آن دیار و دیار نیفتند و مرتب تشتیت شمل جامعه گردند و دیگر و دیگر در انحراف ملک و حکم خود با عبد گیرند و توضیح و تبیین این امر مذکور
در آن دو جریان تاریخ واقعات بعد از تحریر گشت .

« استقرار حضرت ولی امرالله در مقر هجرت »

در جلسه پس از اتمام احمد مذکور که از حسن جریان امور ما فیه از تکالیف آنان فرستند برای عرض لازمی نفرمایند و ابتدا از جریانات مذکور
بهمی فرمودند و برای پرداختن متوجهات روحانیه قصوی عزیمت تنهائی فرمودند و توقیعی خط فرمایش طلاب بنات بهائیان نگاشتند و امروز با عالمه

« سال هفتاد و هشتم »

۱۹۲۲ م — ۱۳۴۰ ق — ۱۳۰۰ ش

ملاقات سال

مشکلات برنامه‌ریزی و سرپرستی حضرت ورقهٔ علیا معروض و موکول نمود. صورت توقیع مبارک چنین بود: هو الله ای بعد پس از واقعهٔ مولمهٔ مصیبت عظمی صعود حضرت
عبدالبهاء، ملکوت ابهی بمدی مبتلا و دچار صدمات اعدای امرالله و محزون و دلتنگ گشتم که وجود مرا در همین وقت و در چنین محیط منافق ایجاد و ذلت
مدهشه فرض میشدم لذا چندی ناچار امور را توجه داخل و خارج را بعهدهٔ عائلهٔ مقدسهٔ مبارکه برایت حضرت ورقهٔ علیا روحی لها الفداء بگذارم تا بتقدیر الهی صحت
و قوت و اطمینان و ثبات و استقامت نمودند و لهذا بنده تا آبان ۱۳۰۰ در حیفا و از آن ببعد در طهران و در آذربایجان و مملکت عراق و بغداد و حجاز و مصر و سوریه و فلسطین رفته
مشغول گردیدند و عهده و هر کس را بهر گونه خدمت مشغول کردند و بدین طریق اعدای حق از هر دو طرف لشکریان و کشتگان تا بتمام راه نیافت و قطع مسعی نمودند
و امروز این امر بایستی مستقر و مستمر و مستقل و مستدام گردد که کنز ملک و ملت و نفایس تحقیق بر دوام الحق بدانند و هر که مخالف عائلهٔ مبارکه
باشد مخالف و مرتبط حضرت ورقهٔ علیا باشد مخل روحانی حیفا با اداره امور و سرپرستی جمهور اهل بها برگذاشتند و تشریفات یا دوره یا بغداد
(بهائیه) و ورقهٔ علیا بهائیان میرسید و تشریح این امر عظیم بتمامه ایات غیبیه گشت و نتایج آن در همه جا ظاهر و باهر است و از حق متوکل و مستمد
کار و تعقیب سرشار از تحقیق و ولا عزت نمودند. و تلگرافیکه قبل روز ورود طهران در ایام عید رضوان ۱۳۰۱ بجرم رمضان بین سال ۱۳۴۰
مطابق به ۱۹۲۲ برای مدیر ادارات طلب تائید کرد جواب چنین رسید: از حیفا طهران - مدیر اجی
حضرت شوقی افندی برای تغییر کتاب و مرا تشریف بردن از طهران تائید و این رفتن گردید - ورقهٔ علیا
و توقیع مبارک حضرت ولی امرالله بعین خط مبارک چنین بود: طهران لوح اعضاء محترمهٔ محفل مقدس روحانی - احبای الهی روحی لهم
الفداء ملاحظه فرمائید - " مرقوم "
احبای حقیقی جانفشان حضرت عبدالبهاء را در عبودیت آستانش سهیم و شریکم و در این مصیبت جانسوز یعنی فرقت و حسرت جانکاه بنا بر این
آنی مونس و ندیم بر تنهٔ بیکس بشری ملال محزونان از دیدهٔ عنصری تراوش گشت و الحین سحاب از دیدهٔ شمس مرتفع شد و فراق آن
قوت و عون و صون و حمایتش اکید و شدید تر از قبل خواهد بود حال باید همگی بقوهٔ خلاقیت کلمهٔ نفوذ بنمائیم و منتظر هدایت غیبیه باشیم
شریم و وعده‌های صریح که از فم اطهر و قلم مبارکش صادر گشته بیاد آریم و نهایت جذب و شور و احساس و صحت و قوت و حکمت و التطلع
و ثبات قدم بمیدان خدمت گذاریم حصن حصین امرالله را حفظ کنیم و تسلیم جان بر دوش ما تعلیم و ترویج دهیم. امروز علیه
این بنده شرمنده آن است که لعون و تائید حضرت عبدالبهاء روحی لرمسه الاطهر فداء و با شرایط احبای حقیقی که از قرب و جوار حضرت
مشرف شان صادر است لوح کنند تا گرد تکسب استعداد و قابلیت این عنایت مبذول دارند و تعاضد و تعاون و شریک مدیران
و عاملین مدیریت العلی عمومی که نقش تابع مرجع کلی امر است. لوح و جواب نصایح و دعاهای مبارکه شود. از یاران باوفایش بدان امل میدهم
که در ایام نشیه تا مرکز عزت بنام تا دانش و الله لغزه‌ها مبارک این نهال ضعیف نامالق قوت یابد و کسب استحقاق نماید و ثمر رسد و باین
جهت عوقت مسرور و فرح قریب یاران شود. که نور و ناظر بنده است ایرش غداشته و نخواهم داشت و الله لعونه و هدایته امور بشریت

« سال هفتاد و هشتم »

واقعات سال ۱۲۴۰ ق ۱۲۰۰ ش ۱۹۲۲ م

حائفهٔ مقدسه و حضرات افنان و ارحام مقدسه باجمن و تربه ترتیب و نظم خواهد گشت و تمهیدات لازمهٔ کامله از برای انتخاب و تأسیس بیت العدل
عمومی پس از مشورت و دقت تام ایفا بیان خواهد شد که از قوت کل طایفهٔ طوایف و طوائف بهائیان قیام خواهیم نمود و اقتدار کلمهٔ تمسک
متشبثین اسوهٔ ما از هجوم اعداء حفظ خواهیم کرد و دست بهائیان را محافظه خواهیم نمود و رایات بهائیان مرکوز اسرار یا مستحکم خواهیم داشت و در بروج تبلیغ
در شرق و غرب عالم و اقالیم حین الممات خواهیم کوشید تا عاقبت مدکورت الهی ما جمیع تراب عظیم نائل گردیم و نعمت فوز بقایش نائل شویم
حقیق و الی کمال در مآب التحیین لعتبات مرحمت و تفضلات مندرجه آستانش شوقی ۱۹ آپ ۱۹۲۲

و از حضرات ورقهٔ علیا در اختصاص بایران خصوصی : طهران کلفاء و اکرام محفل مقدس روحانی طهران علیهم بهاء الله الابهی توقیع نمایند .

هوالله . بندگان جمال ابهی و یاران عزیز حضرت عبدالبهاء هر چند قرب ایام بهاء در نهایت عظمی بود اشراق و تجلی و انجذاب یاران
گوشزد اوراق و مطبوعات قدس در تعجب ابهی . لکن چون ایام ایام عزت و کیام نشر نفحات است باید جهد کلی نمود تا شعلهٔ
نورانی بکمال همت قیام بر خدمت امر الله نمایند دیگری سبقت از دیگری بربایند و چون شهباز ثابت طیار هر ناقص و ناکثی گردند تا
در ملأ اعلی آیهٔ در زبرهٔ الاولین و الآخرین ثبت گردد . حضرات ورقهٔ اسوهٔ و خصوص افتاد و سرور ابهی جناب شوقی افندی ما کانی
مصیبت کبری ناحیهٔ عظمی در خرابی بیان و شدت تأثر سبب شد که چند روز کار بحیرت و تفکری نفت نمایند و لب بحث و تأسی فرموده
مراجعت بساحت قدس نمایند و بخدمت اسوهٔ و ذوالفقار خویش قیام فرمایند و در غیاب ایشان ترتیب تحفظات که اقدام رسال مشرق این
مسجد با سقف فرموده که بشریت مائدهٔ مقدسه امریات اثر قیام و اقدام بنمایند لذا در غیاب موقتاً کمیسیون ترتیب ملاحظه که لعه و بعد از فوق تحقیق
که حضرت شوقی افندی تشکیل فرموده از محرکه گردد و امید دوام در دست غیاب ایشان در دوستان آنجا و اهالی و خانمهای کمال جهد در ترقیات امر الله
نمایند و امر الله نشر بر لعبی نمایند انه لعباده رؤف رحیم بهائیه ۱۰ شعبان ۱۲۴۰

« تعرضات و تعدیات نسبت بهائیان در سال ۱۲۴۰ و شهادت میرزا یعقوب متحده در کرمانشاهان »

هنگامیکه بدخش منعم متوالی واقعات آوردیم در اواخر سال ۱۳۳۹ در کرمانشاهان نسبت شدت اشتعال و انجذاب بهائیان و حضرات قیام
میرزا یعقوب کاشانی نخست در نشر امر الهی و تعصب و هیجان آغاز شروع شد و میرزا یعقوب جوانی در سال بیست و هشت از اهل اسرائیل
مانند لعبه برادر ترش خواهر و اب و حاجی میرزا الریس (سفر) و آقا میرزا هاشم و میرزا اسحق (میرزا نورالدین قساری) در بیان و اخلاق
فیمابین یکجهان تفاوت داشت و اوشان عاجیه خانم نسبت ایمان و شدت اخلاص معروف بود و با همسر پسرانش میرزا یعقوب مذکور

سال هفتاد و هشتم

واقعات سال ۱۳۴۰ ق ۱۲۰۰ ش ۱۹۲۲ م

علاقه مفرط میرزا رضا و میرزا العقیب با نوه تقیم کرانشاه شده تجدد بسیار است و با کدورتی شده است که پیشنهاد تعمیر مسجد از فضه ترشیش را
دار التبلیغ کرده میرزا لطیف خان ثابت و صحابی موصوف که کشش سابق را اقامت ملوه تبلیغ مثبت گذاشت و باید بیاید که ترشیش لطیف
مجتمع شده همین نیز بلکه الطوی الذکائی الهی حضور می نشسته و صحابی سید حسین مجتهد متعقد شروع تعرض کلب امر و نبیر نبود و اما با ترشیش
و ماندیاد کردن لاسیما میرزا العقیب مذکره تعمیر بمی کرده و تکرار مقدم التعاهب معروف میرزا قلی السلطان که مجتهد مطالبه اعتنیت که کرده و او
اعتنیت با شروط جو بکرل تبعید میرزا العقیب شد و حکم میرزا العقیب را حاضر کرده با کرکی ما بیان نموده او را ملزم بجانب اعتنی
حضرت شد پس میرزا العقیب (۱۳۴۹) حجره تحت خویش را تهی از بهائیان و گذاشت و با بهائیت و صحابی مجدداً رفت چندی
گذشت و مجتهد بصدد تفرق دیگر بهائیان برآمد و متدبر و اصرار بعضی را کنار خود سرده تهدید و تطمیع از حضور در مجامع بهائیان باز داشت و
و صحابی از همدان عزیمت کرده بخانه میرزا العقیب اقامت نمود و مجمع احباب و تشویق و تبلیغ پرداخت و میرزا العقیب نیز پس از چندی
موافقت کرده تجارت و خدمت بامرالله مشغول گردید و مجتهد جلی جالست و از هر گروه عقب پرسید و خراب چنین شنید که هم از مکاتب
مرحوم طهران و هم از جانب نایب شاه حکمی که میرزا العقیب و تجارت مالی مانند ابلاغ شده که او در کرانشاه باشد و مجتهد خواست میرزا العقیب
را در خانه خود حاضر و دست کشته نماید و او را ملتفت نشد بعدم تشویق کرد تا عاقبت بی قتل آنجرا بدو صحابی مصمم گشتند و احدی عساکر را از اشراف در سال ۱۲
صحابی الله در سال ۱۳۴۰ پیش نیش با مرتبه علوه ساخت که در الحال بیست و دو تخلیص رفتیت بود و اعضای نظمیه رسیدند و حسب مطلوب
ما با لباس خود نیش بر تجمع گذاشتند و ثابت بدهند که کنار نیش حاضر شده و با جمعیت و قوت نظمیه که مردم تفرق نمانستند حسب بانی نیش
شستند کرده تجارت از جمعیت علیه در تجمع ذکر نمودند و بمنظم خبر واقعه بابلش در همدان رسید لباس ناصر پیشه شیرین تشنه کرده و یک فرقه جوان
محرب که مردم عزیمی داشت بجای مجلس عزا نرم شد و ما تا گرفت و با تقرب با بدسبیل حق منتخبه مسابقه گردید.

و باز در همین سال ۱۳۴۰ قبل از واقعه فاجعه مصدوم حضرت عبدالبهاء در کاشان بعضی از متعلقین و معاندین تهیه نقشه و شورش
برای دشمنی نسبت به بهائیان و هم تصرم نمودند و لی از جهت عدم مساعدت قلبی متعلقه تردد مرتکب ماند پس تجمع شده مذاکره عدم بشد و دست بشر
بهائیان نهادند و حکم از وزارت مالیه راجع تغییر نام و بنیت مدرسه صدوره نیست در نیش معارف کاشان با معاندین مساعدت نموده
مدرسه مذکور جهت تعطیل گردید و محفل روحانی کاشان هم کتبه مدرسه تلگرافاً مانع را بحضرت عبدالبهاء عرض و تظلم نمودند و آن حضرت تلگرافاً تعلیم
السلطنه رئیس الوزراء با این عبارت مخابره فرمودند.

حضرت قوام السلطنه رئیس الوزراء خداوند مدت ترک مجید منفرماید بل لیسوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون تعلیم معارف نمودند

«سال نهم»

واقعات سال ۱۳۴۱ ق ۱۳۰۱ ش ۱۹۲۲ م

قت است لذا این مدت شما را در باب مدرسه و مدت تشریف‌فرمائی‌شان تنها دلم عذاب .

وقوام السلطنه فی الحال این مضمون تلگراف‌شان تلگراف کرد : مدرسه دولت شهر بعین اسم دهان اعضا منتخب شود نهایت که

مطابق تکلیف معارف باشد . مذاکرات تلگرافی از مرتبط است و در مرتبه قوام از رئیس قشون دولت تلگراف بعید از چهار

همان روز از طرف تلگرافات مدرسه معارف مدرسه باشد و تا یک ماه عده از سیاحان مراتب برای که کسی نزاع نشود و مدرسه مشغول و تکلم گردید .

و نیز در همان سال در قریه لاله جین از توابع همدان آقا ؟ و اشرار مسافرت با بابیان برخاستند و از طرف حکام اندک مجری امور

و در بالا کلاهر و اهالی مجتمع شده نزد اطاق بالغه بالغرب از هر طرف حرب زد و قتل مجروح شدند و سرداران شکستند و در دفعه آقای اکبر از

بابیان طایفه ان را که نامه مدیر محروم از دهان مرحوم بود آقا مجبر بالطلاق از شهر برگرفته و با شهر تبریز ایران فرستاد و بالجمله در آغاز اداره

حضرت ولی امر الله کرد و بعضی از ناظران شکنند اوام تضییق و تحقیق این امر بابیان رسوا باشد باز تسلیم و تراکم تصرفات و

مناسبه در ایران بر قرار بود لکن چنین در مطالعه واقعات واضح گردید فتن ظهوری لعن شبه آمد و مصائب و متاعب بشری بود و ظهور نمود .

«کوشش و پیشرفت امر بهی در غرب و شرق»

در نشریه اسمیه محفل روحانی حیفا ۱ شهر العلم سنه ۷۹ - ۲ ایلول ۱۹۲۲ خطاب بمحفل روحانی طهران بعد از شرح مسافرت حضرت

ولی امر الله حضرت مشرق الاذکار و اهالی شرق عشق است از مدت مسافرت بهائیان امریکا تبریز ترجیح الا حضرت عبدالبهاء و نقش تبلیغ افتخار الاعظم

سفر تبلیغی از مراحل آقا تنگ اسرائیل اتیاز یا بینیک و رفتن بکیپ است و نخواهد در مدارس جمعیت تصنیف مستقلی داخل شود تا تبریز بیاید

تا به تبریز سفر کرده و بابیان امریکا و انگلیس که بلغه ثانیه شرق الاذکار شرق داشتند - و در استانبول مستر دیسیس با مدیران مشغول

مکاتبات اند - و در تبریز جمعیت اهل بها مشغول مکاتبات اند میباشند - و در شرق اکبر کنا شیدند و همگی با کمال تشریف و تکریم زیاد تا بخود

جمعیت مختلف العقیده بسیار و مسبوق با ثبات الوحدت مقابل بالمنع ما بدین نشیده ملک که مورد تجلیه عمومی قلوب است و در کار حضرت

و تکاسل تجلیه لازم شده

« سال سیاه نهم »

واقعات سال ۱۳۴۱ ه‍.ق ۱۹۲۲ م

« ورود حضرت ولی امرالله بکیا »

در آنحضرت مأموریت در ۱۵ ربیع الثانی وارد شدند این سال ۱۳۴۱ ه‍.ق (۱۹۲۲ م) حسب الامر شریف حائفه مبارکه و بعض تشریفی که قبل
و تشریف فرما شده و تمام اسباب قصر را مانند زیارت بکیا نمودند و در تربیت و نشر اخلاق کوشش نمودند و تمام امر را بید و الطف تقوی تعلیم
قرار فرمودند و چنین تکلیف یاران در خدمت بهائیان ایران و سایر جا

« احبای الهی ـ رجال غیبی چنان است که بجز بهم بیدین خدمت نکنند و بجز باعث نزول تأیید و تیزی بیانات الهی گردند و بجز بشرق »

که محفل روحانی طهران فی الحال تشریف و صدور آثار مبارکه بیان شرق و غرب از قلم مبارک تشریف آورده و حائفه مبارکه حضرت حضرت عبدالبهاء
حضرات و انصارات خصوص بودند به بیان آنکه با بلغین و شارات زنده نشستند و محفل روحانی تمام موکز امری ایران را تشکیل داده و تکلیف مهم
و بال بر شرق و شارات روحانی و جان نثاری محضر مبارک کردند و صدور توقیعات مبارکه مخصوصه در تشریفات اکیده شروع شد که محفل جمع و نشر
شکرد و صورت اولین اثر نامه اصل یاران چنین است :

« و یاران را بواسطه عنایت آخر محفل روحانی . احبای الهی روحی لهم الفدا علیه فرمایند . مراد
احبای تقویت عنایت حضرت عبدالبهاء را در شدت آنکه تمام اسم و شرکم بدون تعصب عالم بود لعنی فرقت و حسرت تمام بود بنا کردند
مرض دهم . هر چند بکیل شرکی مرض کی خرمان از دوره عنصری قرار کی گشت ولی هر چون سحاب از وجه شمس مرتفع شد اشراقات تابش
قوی تر و عزت و عزت و حمایتش اکمل و اشد بر تر از قبل خواهد شد . حال باید تمام لقوه خلوتیت کوش نفس نکنیم و تنظر تأییدات خفیه
شدیم و وعده های صریح که از فم اطهر و قلم مبارکش صادر گشته بیاد آریم و بنهایت عبدیت و شعور و اطمینان و ملکت و توجه و محبت
و انقطاع و دلبستگی و ثبات قدم بمیدان خدمت گذاریم . حصن حصین امر الله را محکم نشر کنیم و تعالیم جان پرورش را تعلیم و ترویج
نمائیم . امید و یقین این بنده شرمنده آنست که امروز و تا مدت حضرت عبدالبهاء روحی لتربته الاطهر فداه و با اثر لوحه احبای
که از قلوب محترقه صافیه نیروشان صادر است موفق گردند تا کسب استعداد و تا تثبیت این عنایت بهمه دلبستگان و تعالی
یاران و شرب لدستان و صلاح مدیت الله الی عمری که نفس قاطع مرجع کل امور است موفق باجرای نصایح و وصایای مبارکه شوند
از یاران با دانش لازال مستدعیم رجا نامه تا مرکز بنام ثابت بنم تا انشاء الله لغزیده مبارک این حال ضعیف ناتوان قوتی یابد که
اتفاق نماید و تشریف و این بهمت عظمت سرور و فرح قلوب یاران شود . آرزوی خدمت یاران نداشته و تکرار هم ثابت انشاء الله
یاران و خدمات امور شریفه حائفه مقدسه و حضرت بندگان الهی معتقد و تجلی وجه مرتب و نظم خواهد گشت و تصدیقات تازه که

« سال نهم »

واقعات سال ۱۳۴۱ ه ق — ۱۳۰۱ ه ش — ۱۹۲۲ م

از برکت آفتاب و تأسیس بیت العدل عمومی بسیار از شرارت و وحشت تمام اهالی بیابان خراسان شد که از شدت تکمیل مالیات و تطمین
بنابداشته قیام نمودیم نزد و اقربا مکدر شده اشک تحمل و تعدی امرتبه ما از بیوم آمده اخوطی خواهیم کرد. و حضرت بهاء را حق نظر نمودیم نزد
و اقربا در اطراف اراضی مرکز امر و مکتوم نمودیم داشت. و شمر فوج تاریخ و شرقیات و غرب بام الی آخر و امامت خواهیم کرد شیعه و غایت
در مکاتبات الهی با بر و ثواب عظیم نائل گردیم. و مضرت فوز لقاء الله فائز گردیم. — تحقیق یا دهی کمال از تاکید انقرض نفوس
بر جنگ و فضلت. — هذا کتاب الله شوقی.

و چنین تکلیف فرمودند:

طهران توسط وداچی روحانی — امین عبد بهجت (لقب حضرت نظم) در احتساب مقدسه بیاد احبای ایران اسم شوقی
و نیز تلگرافی باین عبارت فرمودند:

وداچی طهران ۲۴ نوامبر ۱۹۲۲ امیدوارست که نازنین سعادت این بلیه جانسوز ۵ حبابی مشرق طلوع نیر هدایت برای
احبای عزیز ایران گردد. شوقی.

و حضرت عرایضه محفل روحانی طهران بحضور مبارک حضرت ولی امرالله — تاریخ ۱۲ حدیث چنین بود:

ارض مقصود حضور مبارک هزاران فرح سعادت نشر ولی امرالله غصن ممتاز حضرت شوقی ربانی روحانیان شرف لقاء
امرالله — یا سیدنا الحنون و مولانا الرؤف تلگراف مرجع و ورود مبارک مانند دشنه آفتاب جناب زوار ایران قلوب محزونه را
روشن و مسرور فرمود و بشارت آب حیات زندگی بهجت و نشاط عطا کرد. روح جانفشانی در ایران کل دمید و افسردگی و پژمردگی را
تلخ زائل و برطرف فرمود. حضرت اقدس جمال قدم جل اسمه الاعظم را که قرب حرکت یا مدارکی مراجعت حضرت غصن ممتاز الیام
تمام و تمام گشته. بل نخلها بحر و فراق را بصبح نورانی سعادت مرکز امرش مبدل فرمود. زمستان ما بهاری تبدیل نمود و بیابان ایران
ما بالطف و احسان تبدیل کرد. لله الحمد فی کل الاحوال. و له الشکر فی کل صباح و مساء. این ضعف و عموم احبای ایران با تبلیغ
تلگراف بهجت و وفا. و روحی مستبشر از شایعات مکدرت الهی مراتب جانفشانی و جان فشانی خود را با بشارات مبارک تقدم و دریای فضل
و عطا و تائید و توفیق بی منتهی از حضرت اقدس حضرت مولی الوری خواهد. با الطاف و عنایات حضرت ولی امرالله الحنون تمام و تمام دارند
که تمامیات صدمه و مشاکل حال گردد و توفیقات عظیمه جمیع را احاطه نماید تا کل بانگیز شرارت این روز نیز است فائز و نائل گردند امیدوارست
مولی و کشنده و تمام — الحمد لله داستان آمدن مرا ایران کل متشتت تبدیل اتفاق و شورها مرکز از فرقت مستقیم آن منبع الفیض الفائض علی العالمین

« سال هیجدهم »

۱۹۱۳ م — ۱۳۳۱ ه‍.ق

واقعات سال ۱۳۳۱ ه‍.ق — ۱۹۱۳ م

نخست امر محبوب آفاق قائم و در جانب ثانی بسبب آگاهی و اطلاع فرمود — تشریف ثانی در نهم جمادی که خانه طلوع نیر عنایت و امان
طلوع شمس هدایت بوده عنایت شده قرب سیاحی مرقد بگشود و آنچه در آن شب فرق العاده مسئول و آرزو است امید است
که آن واقعه کل شکرانه این عنایت و فضل نحو بشکرانه و جانفشانی قیام و اقدام نمایند و رضای مبارک را فراهم آورند. یکشنبه ۱۰ جمادی الثانی
زیارت تشریف مبارک — حرارت و اشتیاق فوق العاده در عزم اهالی و ایران تولید گردید و کل بعد و صدد طلوع شد. و حضرت محترم محفل تهذیب
از شدت شوق و شور و اطلاع این محفل حشمت و سرور بنگری ترتیب داده ..... جشنی که قبل از طرف حضرت ورقه مبارکه علیا ارواحنا
لاحزانهن فداء امر بجمع آوری اعانه برای مشرق الاذکار آمریکا نموده بود .... حضرت امین امر بثبت مرقوم فرموده بود که ترتیب امر
محرمانه که از حضرت بهاء الله دارند باید قبل از عنایت خیریه بهره برداری ایشان باشد مراتب بحضور مبارک عرض و جواب مرحمت شد
که قبل از بنای ایشان باشد محفل نیز فوراً اطاعت نموده کلیه وجوه و حساب اعانه را تحویل حضرت امین نمود .... راجع بجلسه
مشاق امر مبارک و بسلامت جناب آقا میرزا ابراهیم محفل اقدامات لازمه برای تمام محافل مهاجران و مشرق الاذکار ارسال نمود و صورت جلسه
ها بغیر از جشن تمام شده است و سرعتاً تقدیم خاکپای مبارک گردد. پرستنده تائیدات و الطاف و عنایات مولای رؤف و مهربان خود را
سائل و آمل است — منشی محفل علی اکبر بوستانی — خادم محفل احمد نوربانی

و صورت ترتیب مفصل مبارک که در این سال صدور یافت چنین بود:

احبای الهی بهائیان و خواهران روحانی در کشور متبرک ایران و بلاد هندوستان و قفقازیا و ترکستان و بین النهرین
اقالیم مصر و بر بیه الشام و سائر جهات مشرق — طراً لاحظه فرمایند

« هو الله »

انه کم یرجی یا آل البهاء المتقربین الی ثراء آفاق و مهد المشتاق و السالکین اثار هدی العالمین: آن عاشقان و فدائیان جمال بی
زوال و پیروان پرورده عنایات حضرت بهاء الله و برادران و خواهران عزیز تر از جان و دلدار اشتیاق و کبریت احمر و حفظ و مصونیت و
تائید و موفقیت هر یک از آستان مقدس حضرت بهاء الله مسائل — مرحوم بهاء آن دیار آن انجم و مذکر بشان مشغول و در آن اراضی
مقدسه که مطاف عالمیان است و مزار جهانیان در سایه و ظلم در جوار روضه مقدسه فرزند و مقام مبارک حضرت اعلی و تربت مطهر حضرت
عبد البهاء بالغ و دعا مستدعی. که در کل قوی تذکر و حافظ امین اشتام ترسیم حفظ نما — مشاهدان از ترسیم تائید و توفیق بخش ناشرین نفحه
طیبه بکشیده تقدیس — لما لهذا مدت نوع کمن و بیک و مشتاق نما — حال پیام کنی تسلیم با اهل و اشواق مکرر تا در انجمن عالم سعادت را منظور

« سال هفتاد و نهم »

واقعات سال ۱۳۴۱ ق ۱۳۰۱ ش ۱۹۲۲ م

سرزمین و شعوب و اضراب نزاع و قتال مشغول و در بلاد و امکنه مألوف ولی بلاد غرب نیز غافل و بی‌پروا و شاکی متوجه شراره خود گرفتار
فی الحقیقه تمام جهان مضطرب است و لبنان متلاشی و خسته و ازین و انهدام نائره این جنگ هائل عظمی نوعی طاری را چنانکه باید و شاید یک
دارکان فضیه و فضا متزلزل نموده . بیان واضح مبارک حضرت عبدالبهاء را بیاد آورید که در حینیکه ابرهای قتال و نزاع بین الملل ظاهر
متلاشی گشته بود و دول و سیاستمداران عالم بزم صلح و آشتی آراسته گمان مردم خرد اینک صلح شده بهاده از این بیان و زبان آثار مبارک
(که هر چند بر منبع ادراک و رجال عالم عقد مصالحه بسته اند ولی قریب از آثار صلح و آشتی مدد و فتح خرقبوه و آنچه ترکمان صلح امکان نداشته نمود)
این نص بیان مبارک است که : (امکان سیاستمداران در میان است و مقاومت خصمیه در جولان) امروز بعد از انقضاء چهار سنه و اندکی شده
که گفته شد شاکی بیاد گشته و تعصبات جنسیه و مخصوصه و منازعات اقتصادیه اشتداد یافته بلاد شرق و اقلیم فرنگ لنزار و بسیار مرکب
و قطعه افریک حتی قارهٔ بعیدهٔ استرالیا را فرا گرفته نفوس و ارواح دول و ملل در این هجمه و آشوب غافل از آن مهلکات و اسیر تعصبات و
منهمک در شهوات و دوره جهالت و طبیعت بجز اهل بها که بروح الهی در این قرن نورانی مبعوث گشته اند و از هر گونه تعصبی مانع و آزاد و از
کلاش جهان پاک و بزرگ و متعهد و آزاد اند و تفرج الهی مسرور و مطمئن و شادمان .
عالم زن بر مرده و پریشان محتاج این روح الهی است که در نفوس اقتدار الهی در کالبد گذاشته و در عروق و شریان جهانیان الیوم نبض است
ما که بالبنام و صفت بزرگ و مرزوقیم باید کل بهمت عظیم مبذول داریم و قدم را فاست بنائیم تا در وقت و کردار مصافل و خارج در خور شایست
و لیاقت این روح کنزن آنچه را در مرده عالم مشاهده نماید و از جهان تاریک لندن و شرق و سلوک تلامذه حضرت عبدالبهاء بنده الهی مایه
و اندازه خلوص و مائل یافته باوج سعادت حقیقیه داخل گردد . سفر باید :
در این زمان قیام کنند بست و هر بیت آستان الهیت ما حیات باقی است تجلیل نماید و قدم بر افراز در نگرفته و شفا
بیماری غالب نشده و قیام نماید . در این زمان هدایت نفوس بصراط مستقیم مقصود الهی است نفوسی که خود را وقف این امر نمایند
در صراط حفظ الهی هستند هر که در این زمان یک کلمه حقیقت نطق نماید آن کلمه لا زال در تموج و حرکت خواهد بود و هرگز معدوم نخواهد شد .)
نام عبدالبهاء بر پیش قریب و بعید رسیده و جشن‌های عالمان الیوم از وضع و شریف ناظر بهائیان تا از حال و اخلاق این بزرگوار
در حضرت عبدالبهاء بینند و از اطوار و حرکات آن بزرگوار در آثار و آنچه مشاهده کنند و الله گفتار شیرین و بیان
خدمت و اقدامی با آن از تائید غیبی و بشارت و تأثیر ملائکه مقرب و محروم گردد . گفتار و رفتار و کردار الهیم و کرامه و الهیت منبع و سعی مستمری
مشرق و مغرب . خرج جهد و سعی مرزبان استقامت و استقامت در کمال از دست بغرور راهی نه و در اصطلاح الهی نیست .